

بدین ترتیب کار
آموزش و دوره‌های
فشرده تیم
عملیات برگزار
شد که آنان بتوانند
از مواد ساده و
موجود در بازار و
در دسترس مواد
منفجره بسازند

خیابان‌های، شهر مسجد جامع شهر اداره اطلاعات پادگان و محل‌های مهم برای شناسایی را دیدیم و بعد به محل استقرارمان برگشتیم.

طی مدت حضور در هرات برای جوانان گزینش شده که می‌خواستند کار تشکیلاتی بکنند، جلسه گذاشتیم با چند هدف اول درباره گروه‌های مبارز آن جا شناخت پیدا کنیم؛ دوم، امکانات مورد نیازشان را بدانیم؛ سوم به آن‌ها آموزش‌های لازم بدهیم؛ چهارم، بدانیم چه کسانی واقعاً مبارزه می‌کنند و باید تجهیز بشوند و چه کسانی از مبارزه به عنوان ابزار زندگی و معیشت خود استفاده می‌کنند چون بعضی از افراد گروه‌های مبارز آن جا سه، چهار کارت عضویت در گروه‌های مبارز داشتند؛ مثل عضویت در حزب اسلامی، حرکت اسلامی عضویت در جمعیت اسلامی و... در واقع، با این کارت‌ها برای امرار معاش خود وجهی می‌گرفتند.

بدین ترتیب کار آموزش و دوره‌های فشرده تیم عملیات برگزار شد که آنان بتوانند از مواد ساده و موجود در بازار و در دسترس مواد منفجره بسازند. علاوه بر این، کارکردن با اسلحه و آشنایی با انواع تاکتیک‌ها را نیز آموزش دادیم.

در جمع بندی اطلاعات به دست آمده قرار شد در آنجا عملیاتی نیز انجام بشود. طی کارشناسایی‌ای که انجام دادیم، متوجه شدیم کاباره‌ای بسیار مفتضح مرکز تجمع عوامل رژیم ببرک کارمل بود. یک سینما هم بود که فیلم‌های مستهجن به نمایش می‌گذاشت. یک روحانی خود فروخته وابسته به رژیم هم در آن جا بود که مردم به شدت از او متنفر بودند. بنابراین قرار شد که عملیات روی این سه سوژه متمرکز شود.

تجربه‌ای را ما در ابتدای سفر در تایباد با چند تن از مبارزین افغانستانی راه بلد داشتیم که بیان آن برای آشناسدن با برخی مبارزین گزافه‌گوه خالی از لطف نیست. اما نکته‌ای که ما در تایباد تا هرات در باره راه بلد‌ها، یعنی محرم و جمعه خان متوجه شدیم، غلو و بزرگنمایی‌های آن‌ها بود مثلاً وقتی از آن‌ها می‌پرسیدیم که روزی با چند نفر ارتباط دارید، می‌گفتند ما روزی ۱۰ نفر افر (اصطلاح افغانستانی‌ها برای حذف فیزیکی) می‌کنیم؛ یعنی ترور می‌کردند. ما هم متعجب می‌ماندیم که چطور چنین چیزی امکان دارد در ایران در زمان شاه وقتی قرار بود تروری انجام بشود، کلی کارشناسایی و زحمت می‌طلبید تا به نتیجه برسد. آن وقت چطور این‌ها ادعا می‌کردند ظرف یک روز ۱۰ نفر را ترور می‌کنند؟! البته چیزی نگذشت که ما هم متوجه شدیم غلو می‌کنند و بعضی از بزرگنمایی‌هایشان خلاف واقع است.

وقتی پای کار رسیدیم و قرار شد چند عملیات مشترک انجام بدهیم از آن‌ها خواستیم که در این عملیات‌ها به ما کمک کنند اما نپذیرفتند از آنان دلیل خواستیم، معلوم شد اصلاً تروری انجام نداده‌اند و کارهایشان در حد چند تیراندازی با اسلحه بوده است، بنابراین پای کار نیامدند. حالا در هرات با جوانانی روبه‌رو شدیم که با وجود طی دوره‌های آموزشی و رسیدن به نقطه عملیات از روحیه کافی برای این اقدام برخوردار نبودند. طی شدن دوره آموزشی با سرعت در زمان کوتاه و هماهنگ نشدن روحیه آن‌ها برای عملیات، می‌بایست در آزمون و خطاهای کوچکتر عملیاتی به فعلیت لازم می‌رسید تا در زمان اقدام، مانع همراهی آنان با ما نشود اما در آن مقطع، چون زمان کافی برای طی کردن این فرایند وجود نداشت، آن روز و ساعتی که قرار بود عملیات انجام شود، آن‌ها خود را باختند و اصلاً رمق به دست گرفتن اسلحه نداشتند. وقتی از آن‌ها خواستیم وصیت‌نامه بنویسند، اصلاً توان نداشتند که قلم به دست بگیرند و بنویسند.